

:20.1001.1.22286713.1400.13.51.5.4

آمار و آرایش سپاهیان در نبرد عاشورا

عبدالرحیم قنوات^۱

چکیده: پرسش اصلی مقاله این است که آیا می توان درباره واقعه عاشورا براساس تحلیل گزارش های تاریخی، به آماری درست یا نزدیک به آن درباره شمار نفرات و کشتگان دو لشکر و اسیران دست یافت؟ جز این، به آرایش جنگی سپاهیان نیز پرداخته شده است. در این مقاله از شیوه تحلیل و تبیین گزارش های تاریخی استفاده شده تا جزئیات روشن تر شود و از مبالغات رایج فاصله گرفته شود.

حاصل این کار، رسیدن به آمارهایی معقول و پذیرفتنی تر است. برای نمونه، می توان به آمار سپاهیان کوفه اشاره کرد که تاکنون این چنین محاسبه نشده است. باید افزود بیشتر مطالبی که در آثار دیگران (پیشینه پژوهش) آمده، غیرمستقل و بخشی از یک اثر مفصل تر -از یک تا چندین جلد- است که دسترسی به آنها چندان هم آسان نیست، اما در این نوشتار داده ها و نظرات در قالب یک مقاله با عنوان و حجمی محدود عرضه شده است.

واژه های کلیدی: نبرد عاشورا، شمار سپاهیان، آرایش جنگی سپاهیان امام حسین (ع)، سپاه عمر بن سعد

۱ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد ghanavat@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۷/۳

Number and Arrangement of Troops in the Battle of 'Āshūrā

Abdolrahim Ghanavat¹

Abstract: The main question in this article concerns the possibility of obtaining accurate or close-to-reality information about the number of troops and casualties of the two armies as well as the captives in the event of 'Āshūrā based on the analysis of historical reports. In addition, the military arrangement of the troops is also discussed.

In this article, the historical reports are analyzed to clarify the details and avoid common exaggerations in reporting this event.

The outcome of this work would offer more reasonable and reliable numbers. For example, for the first time, some information is offered about the number of the Kūfā troops, which was largely absent in previous studies. It should be noted that the bulk of information reported in other works (in the literature), far from an independent piece of work, is part of a more detailed work – ranging from one to several volumes - which are not readily accessible. In this article, however, the data and commentaries have been gathered in a single article with a focused title and size.

Keywords: the Battle of 'Āshūrā, Number of Troops, Combat Formation of the Forces of Imām Ḥussayn (AS) Forces, the troops of 'Umar ibn Sa'd.

1 Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad ghanavat@um.ac.ir

Received: 2021/09/13

Accepted: 2021/09/25

مقدمه

گزارش‌های واقعه عاشورا در طول تاریخ اسلام به دلایل گوناگون و توسط دوستان و دشمنان امام حسین بن علی (ع) دستخوش تحریف و دگرگونی شده است. حکایت دشمنان حکایتی دیگر است، اما تحریف این تاریخ توسط ارادتمندان به امام حسین (ع) عمدتاً با هدف برانگیختن احساسات مذهبی شیعیان، ارائه چهره‌ای هرچه مظلوم‌تر از وی و خانواده و همراهانش و افزودن بر جنبه‌های حماسی نبرد عاشورا صورت پذیرفته است. این تحریفات هنگامی که پا از دایره مکتوبات تاریخی و مقاتل بیرون نهاده و به گزارش‌های شفاهی این قیام سرایت کرده، به شکلی عجیب گسترش یافته و بسیاری از واقعیات این تاریخ را تحت الشعاع خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که اصولاً در جامعه ما واقعه عاشورا به یک امر فراتاریخی تبدیل شده است؛ به همین دلیل همواره برخی از مورخان و عالمان محقق که دغدغه ارائه گزارشی مقرون به واقعیت از تاریخ قیام امام حسین بن علی (ع) داشته‌اند، به نقد این تحریفات برخاسته و گزارش‌های خلاف واقع و به خصوص مبالغه‌آمیز درباره تاریخ عاشورا را مورد انتقاد قرار داده‌اند. این نوشته نیز به نقد و بررسی گزارش‌های مربوط به آمار و آرایش سپاهیان در نبرد عاشورا اختصاص دارد. در این مقاله به جز بررسی آمار و ارقام حادثه عاشورا، روشن کردن جزئیات نظامی واقعه در قالب بررسی آرایش جنگی دو طرف -با هدف به دست آوردن نظری عینی به این حادثه- نیز مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه

می‌دانیم که پیش از این نیز شماری از نویسندگان قدیم و جدید در آثار خود به این موضوع -البته نه ضرورتاً با نگاهی انتقادی- پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان از محدث بزرگ شیعه، محدث نوری نام برد که در کتاب *لؤلؤ و مرجان* در بیان شروط لازم برای اهل منبر، به گستردگی تحریفات عاشورا را برشمرده و مورد نقد نقلی و عقلی قرار داده است. او در اواخر کتاب خود موضوع مبالغه در آمار و ارقام سپاهیان کوفه و کشته‌شدگان آنان را نیز بررسی کرده و آماری را که در روزگار وی اینجا و آنجا بر زبان‌ها جاری بوده، رد کرده است. استاد مرتضی مطهری نیز بر

الگوی محدث نوری، در کتاب حماسه حسینی به نقد عقلی و نقلی گسترده‌ای از تحریفات عاشورا دست زده و از جمله به بررسی آمار و ارقام مطرح شده و بزرگ‌نمایی‌هایی که در آنها صورت گرفته، پرداخته و آنها را نمونه‌هایی از دروغ بستن به ائمه (ع) به شمار آورده است.

گفتنی است درباره آمار و ارقام، مقدم بر این باید به زیارت‌نامه‌ای از امام مهدی (ع) منقول از شیخ ابوجعفر توسی اشاره کرد که به دو واسطه به امام دوازدهم می‌رسد. این زیارت‌نامه که به «زیارة الشهداء» مشهور است، توسط علامه مجلسی در بحار الانوار (۱۳۵۸: ۱۰۱/۲۶۹-۲۷۴) به‌طور کامل آمده است. در این زیارت‌نامه که متن عربی و ترجمه‌شده آنها در مجموعه‌ای با عنوان حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی از جلال برنجیان نیز نقل شده، فهرستی از شهدای کربلا ارائه شده که تنها نام او در آن مندرج است. جز این می‌توان از کتابی با عنوان مقتل الحسين من امالی السیدین نام برد. این کتاب مجموعه‌ای از امالی یحیی بن الحسین بن اسماعیل بن زید موسوم به تیسیر المطالب و عبدالرحمن بن القاسم بن الحسین بن زید موسوم به الاثنینیه و الخمیسیه هر دو از علمای زیدی مذهب سده پنجم قمری است که به دست نویسنده معاصر عبدالرزاق بن محمدحسین حرزالدین فراهم آمده و شامل روایاتی درباره شمار یاران امام و فهرستی از شهدای کربلاست که آن را از زیدبن علی بن الحسین نقل کرده است (حرزالدین، ۱۴۳۱: ۹۳-۱۰۴). محمدبن طاهر سماوی (متوفای ۱۳۷۰ق) نیز در کتاب مهم خود ابصار العین فی انصار الحسین به انجام همین کار پرداخته و درباره شمار یاران امام حسین بن علی (ع) و شهیدان همراه وی، از کلی‌گویی پرهیز کرده و فهرستی مشخص از نام و نسب و شرح حال وی به دست داده و همین بر اعتبار کار او افزوده است. در کتاب مقتل امام حسین علیه السلام اثر گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم آنجا که درباره شهدای کربلا سخن گفته شده، ابتدا نام و شرحی درباره برخی از مشهورترین شهدای کربلا ارائه شده و در ادامه برای معرفی همه شهدای کربلا، متن کامل زیارت‌نامه امام مهدی نقل شده است. جز این به اختصار فرماندهان دو سپاه نیز معرفی شده‌اند. در دانشنامه امام حسین علیه السلام اثر محمدی ری شهری (۱۳۹۳: ۶/۷۸-۸۳) با عنوان «نظرة الی ساحة القتال» روایت‌هایی درباره آرایش دو سپاه در نبرد عاشورا آمده و در ادامه

همان، ۸۴-۸۷) روایاتی تاریخی و حدیثی درباره شمار دو سپاه ارائه شده و آماری ناپذیرفتنی از سپاهیان عمر بن سعد در کربلا به دست داده شده است. در همین اثر (۲۸۱/۷-۲۹۱) فهرستی از شهدا با ذکر نام آنان آمده است. این فهرست همان گونه که نویسنده نیز اشاره کرده، خالی از روایت‌هایی ضعیف و غیرقابل اعتماد نیست. مهدی پیشوایی در تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء به جز اشارات پراکنده، فصل چهارم از جلد دوم کتاب خود را به «واقعه عاشورا در آینه آمار و ارقام» اختصاص داده و در آن از جمله درباره «آمار اصحاب امام» در مراحل مختلف، «آمار لشکر عمر سعد» و شمار کشته‌های آن، «شمار شهدای سپاه امام حسین (ع)» و غیره سخن به میان آورده است. نکته جالب آنکه وی در اظهار نظری عینی در همان آغاز فصل و جاهای دیگر، تعیین دقیق این آمار را به علت شرایط ویژه این حادثه، تفاوت گزارش‌های شاهدان عینی اولیه، نداشتن نظم و قاعده‌ای درست برای ثبت آماری این چنین در منابع تاریخی و تفاوت‌های موجود در گزارش مورخان، ناممکن دانسته و هیچ راهی برای اثبات درستی آنها متصور نبوده است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۴۶۵/۲، ۴۷۰). همچنین برخی از ترجیحات او در این فصل فاقد روش و معیاری یکسان‌اند و چندان قابل اتکا به نظر نمی‌رسند. البته آنچه در این نوشتار مد نظر بوده، نه تعیین دقیق آمار و ارقام حادثه عاشورا، بلکه برگزیدن آمارهایی نسبتاً معقول و نقد مبالغات صورت گرفته در این باره است. بر این اساس، آنچه این کار را از برخی کارهای دیگر در این باره متمایز کرده، نگاه نقادانه به مبالغات صورت گرفته است. جز این باید اشاره کرد که در سایه بررسی دقیق گزارش منابع، در برخی موارد، برخی از آمار به نحوی دقیق‌تر و پذیرفتنی‌تر مطرح شده است. برای مثال، آمار سپاهیان عمر بن سعد که تاکنون کسی آن را به این صورت بررسی نکرده و به چنین آماری معقول و پذیرفتنی دست نیافته است. نکته دیگر این است که تقریباً تمام مطالبی که در آثار نام‌برده (پیشینه موضوع) آمده، غیرمستقل و بخشی از یک اثر مفصل‌تر - از یک جلد تا چندین جلد - است که دسترسی خواننده به آنها چندان هم آسان نیست، اما در این نوشتار داده‌ها و نظرات در قالب یک مقاله با عنوانی معین و حجمی محدود منتشر شده که دسترسی به آن برای خوانندگان آسان است.

۱. سپاه امام

۱-۱. شمار سپاهیان امام

بررسی حادثه قیام امام حسین بن علی (ع) از هنگام خروج او از مکه تا روز عاشورا، نشان می‌دهد که تعداد همراهانش در مراحل مختلف دستخوش تغییراتی شده است. برخی از منابع تعداد کسانی را که همراه امام از مکه خارج شدند، ۸۲ تن دانسته‌اند (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۲۰/۱؛ ابن صباغ، [بی‌تا]: ۱۸۸). ابن عساکر بدون اینکه از تعداد کل همراهان امام سخن بگوید، آورده است: کوفیانی که از مکه همراه امام خارج شدند، شصت نفر بودند (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۲۱۲/۱۴). در صورتی که تعداد شهدای بنی‌هاشم در کربلا را که معمولاً مورخان ۱۸ یا ۱۹ نفر ثبت کرده‌اند، در نظر بگیریم و فرض کنیم که این عده، از مکه همراه امام بوده‌اند، آمار ۷۸ یا ۷۹ نفر به دست می‌آید که به عدد پیشین بسیار نزدیک است.

شکی نیست که عدد همراهان امام در طول مسیر بیش و کم شده است. به راحتی می‌توان تصور کرد عده‌ای در روزهای بعد از مکه خارج شدند و خود را به اردوی امام رسانیدند. نیز این سخن پذیرفتنی است که در بین راه افراد دیگری با کاروان او همراه شدند (اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۱۱). به شهادت تاریخ، وقتی خبر حوادث کوفه و قتل مسلم بن عقیل و هانی بن عروه به امام رسید، او بیعت خود را از همراهانش برداشت و آنان را برای رفتن آزاد گذاشت و گروهی از همراهانش او را رها کردند و رفتند (همان). شاید این چنین بتوان برای گزارشی که در آن تعداد همراهان امام پانصد تن و تعداد کسانی که او را ترک کردند ۲۳۳ ثبت شده است (الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۴)، وجهی یافت. احتمالاً آمار ششصد نفر که مسعودی برای همراهان امام مقارن ورود به کربلا ذکر کرده (مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴۷/۴۵ که از مسعودی نقل کرده است) نیز باید متعلق به چند روزی پیش از رسیدن اردوی امام به این ناحیه باشد.

البته این پایان ماجرا نبود و به شهادت متون تاریخی، از آن پس نیز آمار همراهان امام تغییراتی پیدا کرد. در «عُدْبِ الهِجَانَات»^۱ چهار تن از شیعیان امام که خود را

۱ نقطه‌ای در چهار میلی قادسیه که از منازل کاروان‌های حج بود (ر.ک. به: یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۹۲/۴).

از کوفه به آنجا رسانیده بودند، به اردوی وی ملحق شدند (طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۴/۵-۴۰۵). برخلاف مسعودی، برخی شمار همراهان امام را هنگام فرود آمدن در کربلا ۶۲ یا ۷۲ تن ثبت کرده‌اند (یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۴۳/۲). از هنگام استقرار سپاهیان امام و عمرین سعد در کربلا تا صبح عاشورا نیز شماری از کسانی که دل با امام داشتند، ولی به ناچار با لشکر کوفه همراه شده بودند، وقتی مشاهده کردند وقوع جنگ قطعی است، فردی و گروهی از سپاه عمرین سعد جدا شدند و آشکار و پنهان به اردوی امام ملحق شدند. آمار این عده را سی تن ثبت کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۴/۸؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۳۱، ۱۸۷، ۱۹۴).

در نهایت، شمار کسانی که روز عاشورا در سپاه امام بودند و در کنار او جنگیدند نیز کاملاً روشن نیست و نویسندگان سده‌های مختلف این تعداد را به اختلاف از هفتاد تا ۱۱۰۰ نفر ذکر کرده‌اند. نویسنده *ابصار العین* آورده است نویسندگان کتب سیره تعداد سپاهیان امام را هفتاد تن دانسته‌اند (سماوی، همان، ۱۶۴). مشهورترین آماري که در این باره در گذر سده‌های مختلف بر زبان‌ها و قلم‌ها جاری شده، آمار ۷۲ تن است (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۱۳/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۶-۲۳۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ ابن کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۲/۸-۱۹۳؛ الطبرسی، [بی‌تا]: ۱۰۷؛ الحسینی الموسوی، ۱۴۱۸: ۳۲۸/۲؛ الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۳؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱؛ Jafri، ۱۹۷۶: ۱۸۹-۱۸۸) که با وجود شهرت فراگیرش، ترجیح آن بر سایر آماري که در مآخذ آمده، چندان آسان نیست. ۷۸ نفر هم یکی دیگر از آماري است که برای تعداد سپاهیان امام ذکر شده است (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۶۰؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۵۳). برخی دیگر تعداد سپاهیان امام را ۸۲ تن دانسته‌اند (ابن شهر آشوب، [بی‌تا]: ۹۸/۲؛ الحسینی الموسوی، ۱۴۱۸: ۲۲۸/۲). البته همان‌گونه که پیشتر آورده‌ایم، بعضی این دو آمار را متعلق به تعداد همراهان امام هنگام خروج از مکه دانسته‌اند. ابن‌سعد، طبقات‌نویس مشهور سده‌های دوم و سوم قمری، تعداد همراهان امام -شامل ۵۰ سپاهی که همراه او بودند، ۲۰ تن که از سپاه عمرین سعد جدا شدند و به او پیوستند (قس: ابن کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۴/۸؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۳۱، ۱۸۷، ۱۹۴) و نیز ۱۹ تن از خاندانش - را ۸۹ تن ثبت کرده است (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۴۶۵/۵). برخی از منابع تعداد

لشکریان امام را حدود ۱۰۰ تن دانسته‌اند (ابن کثیر، ۱۹۹۳: ۱۸۴/۸؛ الطبرسی، [بی‌تا]: ۱۰۷). نویسنده کتاب *ابصار العین* آمار یاران امام را ۱۱۲ نفر ثبت کرده است (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۹) که البته همهٔ این عده جزو لشکریان نبوده‌اند. سخن این نویسنده از این نظر مهم و قابل توجه است که وی نام و شرح حال این افراد را به دست داده و همین بر اعتبار سخن او افزوده است. ۱۴۰ تن آمار دیگری است که برخی برای شمار اصحاب امام ثبت کرده‌اند (طبری، ۱۹۷۱: ۳۸۹/۵؛ الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۴). همچنین عددی نزدیک به همین آمار یعنی ۱۴۵ نفر توسط شماری از نویسندگان سده‌های مختلف نقل شده است (طبری، ۱۹۷۱: ۳۸۹/۵؛ ابن الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱؛ سیدبن طاووس، ۱۳۶۴: ۴۲؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۳۹؛ ابن‌حجر عسقلانی، [بی‌تا]: ۳۳۴/۱). در برخی از گزارش‌های تاریخی تعداد یاران امام ۱۷۰ تن ثبت شده است (طبری، ۱۹۷۱: ۳۸۹/۵؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱؛ سیدبن طاووس، ۱۳۶۴: ۱۰۰؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷).

گفتنی است دربارهٔ تعداد یاران و لشکریان امام سخنانی خاص و تا حدی نامأنوس وجود دارد که با سایر اقوال بسیار متفاوت است. براساس آنچه تاکنون گفته شد تعداد سپاهیان امام حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۷۰ تن بوده است، اما براساس یکی از این اقوال تعداد یاران و لشکریان امام ۶۰۰ تن (مسعودی، ۱۴۰۹: ۷۱/۳؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۵۱) و براساس گزارشی دیگر تعداد آنان ۱۱۰۰ تن بوده است (ابن‌قتیبه دینوری، [بی‌تا]: ۱۰/۲). در دانشنامه امام حسین(ع) با وجود آوردن نظر شیخ مفید مبنی بر ۷۲ تن بودن یاران امام در روز عاشورا، این روایت پذیرفته نشده و به آمارهایی بیش از این اشاره شده که در آنها شمار یاران امام حتی تا ۱۰۰۰ نفر بالا رفته است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۸۴/۱، ۸۵).

به هر صورت با وجودی که داوری کردن و ترجیح یکی از این اقوال کار چندان آسانی نیست ولی می‌توان سخن نویسندهٔ کتاب *ابصار العین* را که به استقصاء اسامی و شرح حال یاران امام پرداخته و تنها به آوردن اعداد و ارقام بسنده نکرده است، بر سخن سایرین ترجیح داد و عدد یاران امام را حدود ۱۱۰ تن دانست. جالب اینکه مهدی پیشوایی درحالی‌که آماری بین ۶۵ تا ۱۴۵ نفر را مطرح کرده، در اظهار نظری شگفت درحالی‌که به دیگر آمارها -به‌خصوص آمار اسیران که خود ۱۷ تن ثبت

کرده- اشاره کرده است، بر همان قول شایع گردن نهاده و شمار یاران امام را در کربلا ۷۲ تن دانسته است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۲/۴۷۷، ۴۹۷-۴۹۸).

۲-۱. آرایش لشکر و فرماندهان سپاه امام

در جنگ‌های قدیم معمولاً لشکر به پنج بخش تقسیم می‌شد: ۱. مقدمه الجیش؛ ۲. قلب که محل استقرار فرمانده سپاه و فرماندهان ارشد بود؛ ۳. میمنه (جناح راست)؛ ۴. میسره (جناح چپ)؛ ۵. مؤخره (ساقه الجیش). گاه به اقتضای شرایط، ممکن بود این تقسیم‌بندی به‌طور کامل اجرا نشود. معمولاً سه بخش میمنه و میسره و قلب تشکیل می‌شد، ولی تشکیل مقدمه و مؤخره همیشگی نبود. به‌جز این، گاه اتفاق می‌افتاد تحت شرایط خاص جنگ، گروه‌ها و دسته‌هایی ویژه برای انجام مأموریت‌های خاص تشکیل می‌شد. برای سپاه، پرچمدار و گاه پرچمدارانی نیز در نظر گرفته می‌شد که معمولاً از بین شجاع‌ترین نیروها انتخاب می‌شدند.

در حادثه کربلا امام حسین(ع) پیش از شروع جنگ در دو نوبت اقدام به تشکیل دو گروه ویژه کرد: بار اول وقتی بود که دسته‌ای پانصد نفری از سپاهیان کوفه به فرماندهی عمرو بن حجاج از روز هفتم محرم در کنار فرات مستقر و مانع از دسترسی اردوی امام به آب شدند. در این شرایط وقتی کمبود آب جدی شد، امام دسته‌ای پنجاه نفری، مرکب از سی سوار و بیست پیاده تشکیل داد و برادرش عباس بن علی را به فرماندهی آن منصوب کرد و به او مأموریت داد به گروه پانصد نفری عمرو بن حجاج حمله کند. این دسته درحالی‌که بیست مشک همراه داشتند، با کوفیان روبه‌رو شدند و پس از درگیری که شدید هم گزارش شده، موفق شدند مأموریت خود را به انجام رسانند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۱/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۵؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۱۲/۵-۴۱۳؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۰۲/۳؛ اصفهانی، [بی‌تا]: ۱۱۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۴/۱-۲۴۵). گویا مأموریت سواران جنگیدن با کوفیان و مشغول کردن آنها بود تا پیادگان بتوانند مشک‌ها را از آب پر کنند. مجلسی آورده است عباس بن علی(ع) را به دلیل انجام همین مأموریت «سقاء» لقب داده‌اند (مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۸۶/۴۴). بار دوم که امام گروهی ویژه تشکیل داد، شب عاشورا بود که

برای انجام مأموریتی مشابه باز هم دسته‌ای پنجاه نفری، مرکب از سی سوار و بیست پیاده را برگزید و این بار فرزند خود علی‌اکبر را به فرماندهی آن منصوب کرد. این گروه نیز توانستند مشک‌های خود را از آب فرات پر کنند و به اردوی امام بیاورند (قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۶).

روز عاشورا امام سپاه کوچک خود را به سه بخش میمنه و میسره و قلب تقسیم کرد. فرماندهی میمنه را به زهیر بن قین سپرد و حبیب بن مظاهر (مطهر، مطهر) را به فرماندهی میسره برگزید. پرچم سپاه را نیز به برادرش عباس بن علی سپرد (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶، طبری، ۱۹۷۱: ۵/۴۲۲؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۲/۸-۱۹۳؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۶۴؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۸). خود نیز در قلب سپاه جای گرفت (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۶۴؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۸). نویسنده کتاب منتهی الآمال آورده است از سپاهیان امام بیست تن در میمنه و بیست تن در میسره جای گرفتند (همان). بنابراین اگر آنچنان که گذشت، عدد یاران امام را حدود ۱۱۰ تن در نظر بگیریم، عده کسانی که در قلب سپاه و در کنار امام مستقر شده بودند، می‌توان حدود هفتاد تن دانست.

۱-۳. شمار شهدای کربلا

درباره شمار شهدای کربلا میان مورخان اختلاف نظرهایی بروز کرده است. سخن مشهور این است که در کربلا جملگی یاران امام که ۷۲ تن بودند، به شهادت رسیدند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۳/۲۰۵؛ مسکویه، ۱۳۶۶: ۲/۷۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲/۳۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۸/۲۰۵؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱/۴۹۹). آنچه معمولاً درباره تعداد سرهای شهدا که به کوفه حمل شد، آورده شده نیز به نحوی به شهرت و شیوع این آمار کمک کرده است. شماری از متون تاریخی و مقاتل آورده‌اند که لشکریان عمر بن سعد ۷۲ سر از شهدا را به کوفه حمل کرد (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲/۳۹؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۴۵؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۸/۲۰۶). با وجود این، پذیرش این آمار خالی از تسامح نیست؛ زیرا علاوه بر اینکه مورخان در این باره آمارهای دیگری نیز نقل کرده‌اند، به نظر می‌رسد یکی گرفتن شمار

سرهای شهدا با آمار کل شهدا، به ترجیح این عدد منجر شده است؛ درحالی که آنچه مشهور است اینکه حداقل سر دو تن از شهدای کربلا (حربن یزید و عبدالله بن حسین) جدا نشد و به کوفه حمل نگردید. جنازه عبدالله - که طفلی شیرخوار بود - پس از شهادت، توسط امام دفن شد و کسی متعرض جسد او نشد. به هنگام جدا کردن سر شهدا نیز بنی تمیم مانع از جدا کردن سر حر شدند (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۰). احتمالاً به همین دلیل است که برخی از منابع تعداد سرهایی را که به کوفه فرستاده شد، ۷۰ سر دانسته‌اند^۱ (طبری، ۱۹۷۱: ۴۶۸/۵؛ ابن صباغ، [بی‌تا]: ۱۹۸). به هر روی، هم تعداد شهدا و هم تعداد سرهایی که به کوفه حمل شد، کمتر و هم بیش از این نوشته‌اند. کمترین آماري که برای تعداد شهدا آمده، ۶۱ تن است (مسعودی، ۱۴۱۷: ۱۶۶). البته تعدادی از متون و مآخذ شمار شهدا را حدود هشتاد تن ثبت کرده‌اند. مجلسی تعداد سرهای شهدا را که به کوفه فرستاده شد، ۷۸ سر دانسته است (مجلسی، ۱۳۵۸: ۶۲/۴۵) که اگر دو شهیدی را که سرهایشان جدا نشد، به این تعداد اضافه کنیم و خود امام را هم به این آمار بیفزاییم، عدد ۸۱ تن برای شهدا به دست می‌آید و این همان عددی است که سبط بن الجوزی ثبت کرده است (ابن الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۶). سماوی آمار شهدای کربلا را بیش از هشتاد تن ثبت کرده است (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۱) و آنچه شیخ عباس قمی در منتهی الآمال براساس زیارت‌نامه‌ای که سید بن طاووس نقل کرده، آورده است، نزدیک به همین تعداد است و بر آن اساس آمار شهدای کربلا به ۸۲ تن می‌رسد (قمی، ۱۳۶۵: ۷۳۵/۱). مسعودی تعداد شهدای کربلا را ۸۷ تن دانسته است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۱/۳). براساس قولی دیگر از سبط بن الجوزی که در آن تعداد سرهایی که همراه با سر امام به کوفه فرستاده شدند، ۹۲ سر معین شده است (ابن الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۳۱)، می‌توان تعداد شهدا را به همراه خود امام ۹۵ تن به شمار آورد. البته غریب‌ترین سخن در این باره از نویسندگان کتاب وسیلة الدارین است که تعداد کسانی را که در روز عاشورا به شهادت رسیدند، ۲۲۱ تن ثبت کرده است (الموسوی الزنجانی، ۱۹۷۵: ۹۴).

۱ بلاذری تعداد سرها را ۶۹ سر ثبت کرده که احتمالاً با در نظر گرفتن این نکته که سر امام جدا از سرهای دیگر به کوفه فرستاده شده بود، سخن او نیز درست است (قس: بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۱۲/۳).

۴-۱. تعداد اسیران از سپاه امام

این سخن مشهور که تمامی یاران امام حسین(ع) در کربلا به شهادت رسیدند، با گزارش‌های تاریخی منطبق نیست. آنچه واقعیت دارد، آن است که شماری از یاران امام به دست لشکریان عمر بن سعد اسیر شدند؛ از آن جمله سواربن ابی‌عمیر، مرقع بن ثمامه اسدی، عمرو الجندعی (سماوی، ۱۳۷۷: ۲۲۲، ۱۳۶-۱۳۵)، عقبه بن سمعان (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹)، حسن بن حسن بن علی مشهور به حسن مثنی و نیز زید و عمرو دو فرزند دیگر امام حسن(ع) (ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۴۵) و امام علی بن حسین(ع). با وجود این، براساس برخی گزارش‌ها، تعداد اسیران بیش از این بوده است. از امام سجاد(ع) روایت شده است که ما دوازده اسیر بودیم که بسته در زنجیر به کاخ یزید وارد شدیم (همان؛ قمی، ۱۳۶۵: ۷۹۱/۱). حال آنکه اگر در متن گزارش‌های مربوط به اسرا دقت بیشتری شود، به نظر می‌رسد تعداد کسانی که به دست سپاه کوفه اسیر شدند، از دوازده تن هم بیشتر بوده است؛ زیرا آورده‌اند شماری از این اسرا در نبرد روز عاشورا مجروح شدند (ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۴۵؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۶، ۲۲۲) و برخی مدتی پس از این واقعه بر اثر این جراحات به شهادت رسیدند (همان) و بعید نیست آنان را به دلیل حال نامناسبشان به شام نفرستاده باشند. به این نکته نیز اشاره شده که عقبه بن سمعان را که غلام آزادشده رباب همسر امام حسین(ع) بود، پس از اسارت رها کردند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۲۰۵/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۹). نویسنده تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء آمار مردان اسیر را هفده تن ثبت کرده و از تک تک آنان نام برده است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۴۹۷/۲-۴۹۸). بر این اساس، گویا شمار اسیران سپاه امام از دوازده تن کمتر و از هفده تن بیشتر نبوده است.

۲. سپاه عمر بن سعد

۲-۱. شمار سپاهیان عمر بن سعد

درباره شمار سپاهیان کوفه نیز میان نویسندگان سده‌های مختلف، اختلاف نظرهای فراوانی بروز کرده است. برخی تعداد سپاهیان را که در کربلا علیه امام جنگیدند، شش‌هزار تن دانسته‌اند (ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۶؛ قمی، ۱۳۶۵: ۶۳۸/۱)، ولی

گزارش‌های متفاوت دیگری نیز در دست است که آمار سپاهیان عمرین سعد را بیست هزار تن (ابن صباغ، [بی‌تا]: ۱۹۱؛ اربلی، [بی‌تا]: ۱۸۹/۲؛ سیدبن طاووس، ۱۳۶۴: ۸۵؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۵؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱-۳۰؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۸)، سی هزار تن (ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۳/۹۹، ۱۰۰، ۱۱۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۱/۲۴۲، ۴/۲)، سی‌هزار تن (ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۳۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۲۹۸/۴۴)؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۵۷)، سی‌هزار تن (ابن‌شهر آشوب، [بی‌تا]: ۹۸/۴) و هفتاد هزار تن نوشته‌اند (مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۰۵/۴۴).

به نظر می‌رسد هر چه زمان گذشته، بر آمار سپاهیان عمرین سعد در متون و منابع مختلف افزوده شده است. شاید برخی از نویسندگان بدین وسیله کوشیده‌اند با قرار دادن عدد دو سپاه در برابر هم بر شدت مظلومیت امام حسین بن علی (ع) و همراهانش بیفزایند. تردیدی نیست که برخی از این آمار بسیار مبالغه‌آمیز و دور از واقعیت است.

از آنجایی که درباره آمار سپاهیان عمرین سعد نمی‌توان به صورتی دقیق و قطعی سخن گفت، تنها راهی که برای دست یافتن به عددی نزدیک به واقع وجود دارد، بررسی گزارش‌هایی است که مورخان درباره حوادث کوفه در این ایام و روند شکل‌گیری این سپاه به دست داده‌اند.

عبیدالله بن زیاد که احساس می‌کرد برای مقابله با امام به سپاهی نسبتاً بزرگ نیاز دارد، کوفیان را برای این کار بسیج و سازماندهی کرد. تکیه او به سپاهیان کوفی شاید به این دلیل بود که کوفیان را از پیوستن به سپاه امام بازدارد. تهیه و تدارک چنین سپاهی در وهله نخست مستلزم مرعوب کردن کوفیان و در مرحله بعد، واداشتن آنان به شرکت در این سپاه به رغم میل قلبی‌شان بود. به منظور مرعوب کردن مردم، وی همراه با قتل مسلم و هانی بن عروه، شماری از شیعیان را کشت و سرهای آنان را به شام فرستاد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۷۰/۸). به دنبال آن، بر مراقبت‌های نظامی افزود و در شهر و پیرامون آن نیروهایی گماشت تا اوضاع را کنترل کنند

۱ در این باره نکته جالب، نظر نویسنده کتاب تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء است. وی در این باره به حدیثی اشاره کرده که شیخ صدوق از امام سجاد و امام صادق (ع) روایت کرده و در آن شمار سپاهیان عمر سعد سی هزار نفر ذکر شده است. نکته این است که نویسنده با وجود اشاره به عدم توثیق برخی از روایان این روایت، تنها به این دلیل که شیخ صدوق به آن توجه نشان داده و او هم انگیزه‌ای برای تحریف آمار و ارقام نداشته، رقم سی هزار تن را ترجیح داده است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۲/۴۷۹).

(بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۶۶/۳). سپس به تطمیع و تهدید مردم کوفه روی آورد و وعده افزایش حقوق و مقرری به آنان داد، به این شرط که در نبرد علیه امام شرکت کنند (همان، ۱۷۸/۳؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۹۹/۳). به دنبال آن، بزرگان کوفه را مأموریت داد تا در گوشه و کنار شهر به حرکت درآیند و ضمن تشویق مردم به شرکت در نبرد، آنان را از عواقب تمرد بیم دهند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۸/۳). عبیدالله همچنین دستور داد هر کس در سپاه حاضر نشود، خونس ریخته شود و به همین دلیل فرد غریبی را که به طلب میراثش به کوفه آمده بود و ملتزم به شرکت در جنگ نبود، گردن زد تا دیگران به عاقبت کار خود بیندیشند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۴-۲۵۵). بلاذری آورده است به دنبال این اتفاق، در شهر کوفه مرد بالغی نماند مگر اینکه خود را به اردوگاه نخيله رساند تا به سپاه ابن‌زیاد ملحق شود. گزارش‌هایی که برخی افرادی که در همین ایام از کوفه خارج شده‌اند، در بین راه به امام داده‌اند نیز حکایت از گرد آمدن گروه کثیری از مردم در بیرون شهر کوفه برای شرکت در جنگ علیه امام داشت (همان، ۲۵۰-۲۵۱؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۶۲/۲؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۶/۵).

عبیدالله در نخيله به سازماندهی سپاهیان پرداخت. آنچه مددکار امیر کوفه شد، لشکری به فرماندهی عمر بن سعد بود که مقارن این حوادث با حکم امارت ری آماده شده بود تا برای سرکوب شورش که در دستب‌رخ داده بود، عازم مناطق شمالی ایران شود (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۶/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۰۹/۵؛ ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۲۱۵/۱۴؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۸۳/۸، ۱۸۹). عموم مورخان بدون هیچ اختلاف نظری شمار این لشکر را چهارهزار تن نوشته‌اند (علاوه بر منابع پیشین ر.ک. به: مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۶۴/۲؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۹۶/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۲۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۰/۱؛ مقدسی، [بی‌تا]: ۱۰/۶؛ طبرسی، ۱۳۳۸، ۱۳۱؛ ابن‌شهر آشوب، [بی‌تا]: ۹۵/۴؛ ابن‌الجوزی، ۱۳۷۶: ۲۲۲؛ سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۰۷). این لشکر هسته اولیه سپاه کوفه را تشکیل داد. براساس گزارش‌های تاریخی، دسته‌هایی دیگر نیز به فرماندهی بزرگان کوفه تشکیل و اعزام شدند. یکی از اولین دسته‌ها، دسته چهارهزار نفری

۱ ناحیه وسیعی میان ری و همدان بوده است (ر.ک. به: یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۵۴/۲).

نفرات او هم به سپاه عمر سعد پیوسته باشند، ولی به نظر می‌رسد این عده اگر هم به کربلا اعزام شده باشند، باید با سازماندهی جدید و جزء گروه‌های تازه تشکیل شده به این مأموریت رفته باشند. نکته مهم دیگر، توجه به گزارش‌های تاریخی جالبی است که بیانگر آن‌اند که تمامی این جمعیت به کربلا نرفته و در سپاه عمر بن سعد حاضر نشده‌اند. در این گزارش‌ها تصریح شده است از گروه‌هایی که عیدالله به کربلا فرستاد، شمار فراوانی به دلیل خوش نداشتن نبرد علیه امام، از بین راه گریختند و از رفتن به کربلا خودداری کردند (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۴). بلاذری در گزارشی دقیق‌تر آورده است از هر هزار نفر سپاهی حداکثر سیصد تا چهارصد تن باقی می‌ماندند و سایرین سپاه را ترک می‌کردند (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۷۹/۳) و گویا به دلیل کثرت این افراد، فرماندهان این دسته‌ها نیز قادر به جلوگیری از آنان نبوده‌اند.

حال با قطعی گرفتن حضور پنج‌هزار تن کوفی از روز سوم محرم در کربلا و به حساب نیاوردن دسته سه‌هزار نفری حصین بن نمیر، می‌توان نتیجه گرفت که عیدالله در روزهای پیش از عاشورا حدود چهارده‌هزار سپاهی را از نخيله به کربلا فرستاده و اگر از هر هزار تن - آن‌گونه که بلاذری آورده - حداکثر چهارصد تن به کربلا رفته باشند، تعداد کسانی که از روز چهارم محرم به بعد وارد کربلا شده‌اند، حدود ۵۵۰۰ تن بوده است که همراه با پنج‌هزار نفری که در کربلا مستقر بودند، سپاهی تقریباً یازده‌هزار نفری را تشکیل می‌داده‌اند و روز عاشورا نیز سپاه عمر بن سعد از همین تعداد سرباز تشکیل شده بود.

۲-۲. آرایش لشکر و فرماندهان سپاه عمر بن سعد

تا پیش از روز عاشورا سپاه عمر بن سعد آرایش کامل خود را به دست نیاورده بود؛ زیرا علاوه بر اینکه آمار آن مرتب در حال تغییر بود، هنوز وقوع جنگ قطعی نبود، ولی با گذشت روزها و ناممکن شدن مصالحه، اندک اندک دسته‌های سپاه شکل گرفت. یکی از اولین فرماندهانی که از طرف عیدالله بن زیاد منصوب شد، شمر بن ذی‌الجوشن بود که مأموریت داشت در صورت امتناع عمر بن سعد از جنگ، خود فرماندهی سپاه را به دست گیرد، اما عمر با پذیرفتن اقدام به جنگ، شمر را به فرماندهی پیادگان لشکر منصوب کرد (همان، ۱۸۳/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۰؛ طبرسی،

۱۳۳۸: ۲۳۳) و این در روز هفتم محرم بود. از همین روز عمر بن سعد یک گروه ویژه پانصد نفری تشکیل داد که مأموریت آن حائل شدن بین اردوی امام و رودخانه فرات بود. فرمانده این گروه عمرو بن حجاج زبیدی بود (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۱/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۱۲/۵؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۰۲/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۲؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۴/۱؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۳۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۳۸۹/۴۴؛ ابن‌شهر آشوب، [بی‌تا]: ۵۸/۴). عمر بن سعد پیش از روز عاشورا، گروهی دیگر را نیز با مأموریتی مشخص ترتیب داد و آن وقتی بود که حبیب بن مظاهر با کسب اجازه از امام حسین (ع) به میان قبیله بنی‌اسد که در ساحل فرات ساکن بودند، رفت و آنان را به یاری امام ترغیب کرد. بنی‌اسد پذیرفتند و نود مرد جنگی آماده شدند تا شبانه به اردوی امام ملحق شوند. عمر بن سعد که باخبر شد، دسته‌ای چهارصد نفری ترتیب داد و از رقبین حرب صیداوی را به فرماندهی آن برگزید. این گروه همان شب به بنی‌اسد حمله کردند و آنان را که تاب مقاومت نداشتند، از ملحق شدن به سپاه امام بازداشتند (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲۴۳-۲۴۴؛ ابن‌اعثم، ۱۹۸۶: ۱۰۱/۳).^۱ عمر بن سعد یک گروه سواره نیز تشکیل داد و عزرة بن قیس احمسی را به فرماندهی آن برگزید. به نظر می‌رسد این گروه در حقیقت نگهبانان سپاه عمر بودند که اردوی امام را نیز تحت نظر داشتند. ابن‌کثیر آورده است همین گروه شب عاشورا به اردوی امام نزدیک شدند و آنان را تحت نظر قرار دادند (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۲/۸).

برای نبرد روز عاشورا عمر بن سعد سپاه خود را با ترتیبی خاص آراست. او برای سپاه خود بخش‌های میمنه، میسر و قلب تعبیه کرد. فرماندهی میمنه را به عمرو بن حجاج سپرد (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵، ۴۳۰؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳، ۲۳۶؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۰۳/۸؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۹) که پیشتر مأمور شده بود مانع از دسترسی اردوی امام به شریعه فرات شود. شمر بن ذی‌الجوشن را نیز به فرماندهی میسر برگزید (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵، ۴۳۰، ۴۳۵-۴۳۶؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳، ۲۳۶؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۴/۲؛

۱ ابن‌اعثم شمار این گروه را چهار هزار تن دانسته که صحیح نیست و گویا یک اشتباه نگارشی است.

طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۰۳/۸؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۹) و خود در قلب سپاه جای گرفت (خوارزمی، ۱۹۴۸: ۸/۲؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۸/۴۵). گروه سواره‌ای که عمر بن سعد پیش از عاشورا تشکیل داده بود و عزرة بن قیس را به فرماندهی آن برگزید، در این روز نیز آرایش خود را حفظ کرد و در میدان نبرد حضور یافت (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۳/۵؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳، ۲۳۷؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷، ۲۴۱؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵ - دو منبع اخیر «عروه» نوشته‌اند -؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۹). گروه پیادگان نیز در سپاه تشکیل شد که فرماندهی آن به شیب‌بن ربیع ریاحی داده شد (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶؛ بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۳۸: ۲۳۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۰۳/۸؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۳۹؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷). علاوه بر این، براساس گزارش‌های تاریخی، در سپاه عمر بن سعد گروه تیراندازانی نیز تشکیل شد که شمار آنان به پانصد تن می‌رسید و دسته‌ای از آنان بر اسبانی جوشن‌پوش سوار بودند. فرماندهی این دسته را حُصین بن نُمیر تمیمی برعهده داشت (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۹۴/۳؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۸؛ طبری، ۱۹۷۱: ۴۳۴/۵، ۴۳۷؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۱۶/۲؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۶۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۲۰/۴۵). ابن‌سعد پرچم سپاه خود را نیز به غلام آزادشده‌اش «درید» سپرد (بلاذری، ۱۹۷۷: ۱۸۷/۳ - ۱۹۰؛ مفید، [بی‌تا]: ۲۳۳؛ خوارزمی، ۱۹۴۸: ۸/۲؛ ابن‌نما، ۱۳۱۸: ۲۷؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴/۴۵). دینوری نام پرچمدار سپاه عمر بن سعد را زید ثبت کرده (دینوری، ۱۹۶۰: ۲۵۶) و طبری نام وی را ذوید آورده است (طبری، ۱۹۷۱: ۴۲۲/۵) که به نظر می‌رسد این تفاوت ناشی از اشتباه نسخه‌نویسان باشد و این هر سه نام یک تن بوده است. البته گزارش ابن‌کثیر متفاوت است؛ چون وی نام غلام آزادشده‌ی عمر و پرچمدار سپاه او را وردان ثبت کرده است (ابن‌کثیر، ۱۹۹۳: ۱۹۳/۸).

۲-۳. شمار کشتگان سپاه کوفه

اینکه واقعاً از سپاه عمر بن سعد چند تن در کربلا کشته شدند، چندان روشن نیست، ولی اگر به آنچه مورخان سده‌های نخستین تاریخ اسلام در این باره گفته‌اند اعتماد

کنیم، در برخی منابع مشهور به عدد ۸۸ تن می‌رسیم (بلاذری، ۱۹۷۷: ۳/۲۰۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۶۳). این رقم، رقمی قابل قبول و نزدیک به تعداد شهدای کربلاست. با وجود این، این آمار در منابع شیعی سده‌های بعد به گونه‌ای اغراق‌آمیز بالا رفته است. براساس گزارش این منابع، عدد کشتگان سپاه عمر بن سعد به هزاران تن می‌رسد؛ زیرا امام و یارانش هر کدام ده‌ها، صدها و گاه حتی بیش از هزار تن را به قتل رسانده‌اند! (برای نمونه ر.ک. به: خوارزمی، ۱۹۴۸: ۲/۲۷، ۳۰، ۳۱؛ مجلسی، ۱۳۵۸: ۴۵/۱۴، ۱۷، ۳۲-۳۶، ۴۱، ۴۳، ۴۴؛ قمی، ۱۳۶۵: ۱/۶۷۲، ۶۸۶، ۶۹۰-۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۱۸). نویسنده تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء در حالیکه همین عدد ۸۸ تن را نقل کرده، براساس دلایلی احساسی مبنی بر اینکه یاران سید الشهداء مشتاق نبرد و جان‌نثاری بوده‌اند، به نقل آمار مبالغه‌آمیز برخی منابع پرداخته و به‌طور کلی شمار کشتگان سپاه عمر بن سعد را بسیار بیش از این دانسته است (پیشوایی، ۱۳۸۹: ۲/۴۷۹-۴۸۱).

نتیجه‌گیری

مورخان و راویان حوادث تاریخی معمولاً درباره آمار و جزئیات دچار مبالغه‌گویی شده‌اند. حادثه مهم عاشورا نیز به همین صورت دچار تحریف و دگرگونی شده است. این تحریف هم در منابع مکتوب و هم در نقل قول‌های شفاهی شدت یافته و واقعیت ماجرا را تحت‌الشعاع قرار داده است.

براساس بررسی و دقت در روایات تاریخی مربوطه و مقایسه آنها با یکدیگر و نیز مقایسه این گزارش‌ها با شرایط و واقعیت‌های عینی، می‌توان نتیجه گرفت که اعداد و ارقام درست نبرد عاشورا نسبتی با آمار مبالغه‌آمیزی که در این باره در برخی کتب آمده و بر سر زبان‌ها افتاده است، ندارد.

همراهان امام حسین بن علی (ع) در نبرد عاشورا حدود ۱۱۰ تن، شمار شهدا بین ۸۰ تا ۹۵ تن و تعداد اسرا بین ۱۲ تا ۱۷ تن بوده است. شمار سپاهیان عمر بن سعد بین ده تا یازده هزار تن و تلفات این سپاه در روز عاشورا نیز حدود نود نفر بوده است. بر این اساس، آمار کشتگان دو طرف تفاوت چندانی نداشته است.

اینچنین روشن می‌شود که آمار گزاف و مبالغه‌آمیزی که در شماری از کتب و یا نقل قول‌های شفاهی مطرح شده، بهره‌ای از واقعیت نداشته و ساخته ذهن کسانی است که نه از طریق متون معتبر تاریخی با تاریخ عاشورا آشنایی دارند و نه توانایی آن را دارند تا این قبیل سخنان را با شرایط و زمینه‌هایی که حادثه کربلا در آن رخ داده، مقایسه کنند و نتیجه‌ای - تا حد امکان - درست به دست آورند و ارائه دهند. البته حساب کسانی که در سده‌های بعد با افزودن بر این آمار سعی در افزایش سختی نبرد عاشورا داشتند تا بدین وسیله بر شدت مظلومیت امام حسین بن علی (ع) و همراهانش تأکید کنند، در جای خود محفوظ است.

منابع و مآخذ

- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۴۰۹)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج ۱، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌اعثم، ابومحمد احمد (۱۹۸۶م)، *الفتوح*، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی [بی‌تا] (افست از چاپ اول، ۱۳۲۸ق)، *الاصابة فی تمييز الصحابة*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌سعد، ابو عبدالله محمد (۱۹۹۰م)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی [بی‌تا]، *مناقب آل‌أبی‌طالب*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ۴، قم: انتشارات علامه.
- ابن‌صباغ، علی بن محمد [بی‌تا]، *الفصول المهمّة فی معرفة الاحوال الائمة*، نجف: مکتبه دار الکتب التجاریه.
- ابن‌عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۹۹۵م)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، ج ۱۴، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم [بی‌تا]، *الامامة و السياسة*، ج ۲، تحقیق طه محمد الزینی، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- ابن‌کثیر، عمادالدین اسماعیل (۱۹۹۳)، *البدایة و النهایة*، ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌نما، نجم‌الدین جعفر (۱۳۱۸)، *مثیر الاحزان*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- اربلی، علی بن عیسی [بی‌تا]، *کشف الغمّة فی معرفة الائمة*، تصحیح آقا سید ابراهیم میانجی، ج ۲، [بی‌جا]: نشر ادب الحوزه.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، [بی‌تا]، *مقاتل الطالبيين*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دارالمعرفة.

- برنجیان، جلال (۱۳۶۲)، حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی(ع)، تهران: طور.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۷۷)، انساب الاشراف، تحقیق الشیخ محمدباقر محمودی، ج ۳، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹)، تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء(ع)، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حرزالدین، عبدالرزاق بن محمدحسین (۱۴۳۱ق)، مقتل الحسین من امالی السیدین، قم: دلیل ما.
- الحسینی الموسوی الحائری الکرکی، محمد بن ابوطالب (۱۴۱۸)، تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسوم بمقتل الحسین علیه الاسلام، تحقیق فارس حسون کریم، ج ۲، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- خوارزمی، الموفق بن احمد (۱۹۴۸م)، مقتل الحسین، تحقیق محمد طاهر السماوی، ج ۱، ۲، نجف: مطبعة الزهراء.
- دینوری، احمد بن داوود (۱۹۶۰م)، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۹۹۳)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۵، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن الجوزی، سبط (۱۳۷۶)، تذکرة الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی.
- سماوی، شیخ محمد بن طاهر (۱۳۷۷)، ابصار العین فی انصار الحسین، تحقیق شیخ محمدجعفر الطبسی، [بی جا]: مرکز الدراسات الاسلامیة لحرس الثورة.
- سید بن طاووس (۱۳۶۴)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: انتشارات جهان.
- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۱)، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، الشریف الرضی، قم: [بی نا].
- الطبرسی، فضل بن حسن [بی تا]، تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، مندرج در مجموعه نفیسة حاویة لرسائل شریفه، زیر نظر سید شهاب الدین الحسینی المرعشی، قم: مکتبه بصیرتی.
- طبرسی، امین الاسلام (۱۳۳۸)، اعلام الوری باعلام الهدی، طهران: المکتبه العلمیة الاسلامیة.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۹۷۱م)، تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۵، قاهره: دارالمعارف.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۶۵)، منتهی الآمال، ج ۱، قم: انتشارات هجرت.
- گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم (۱۳۸۵)، مقتل امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد محدثی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۸)، بحار الانوار، ج ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۱۰۱، طهران: المطبعة الاسلامیة.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، دانشنامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱، ۶، قم: دار الحدیث.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۴۱۷)، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، قم: الصدر.
- (۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، ج ۳، قم: دار الهجرة.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۶)، تجارب الامم و تعاقب الهمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، ج ۲، طهران: دار سروش للطباعة و النشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، حماسه حسینی، تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان [بی تا]، الارشاد، قم: مکتبه بصیرتی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر [بی تا] (افست از چاپ پاریس ۱۸۹۹م)، البدء و التاریخ، به اهتمام کلمان هوار، ج ۶، بیروت: دار صادر.
- الموسوی الزنجانی، السید ابراهیم (۱۹۷۵)، وسیلة الدارین فی انصار الحسین، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- نوری، حسین بن محمد تقی [بی تا]، لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر، تهران: عابدی.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (۱۹۹۵)، معجم البلدان، ج ۲، ۴، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب [بی تا]، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت: دار صادر.

منابع لاتین

- Jafri, S. H. M (1976), *The Origins and Early Development of Shia Islam*, the group of muslims, Qum.

List of sources with English handwriting

- Al-Ḥosaynī al-Mūsawī al-Ḥā'eri al-karaki, Muḥammad b. Abū Ṭāleb (1997), *Tasliat al-majāles wa zinat al-majāles al-Mūsūm be-Maqtal al-Ḥosayn(A.S.)*, ed. Fāris Ḥasūn Karim, vol. 2, Qom: Mo'assesa-ye al-Ma'a'raf al-Eslāmiya.
- Al-Mūsawī al-Zanjānī, al-Sayyed Ebrāhīm (1975), *Wasila al-darin fi Anṣār al-Ḥosayn*, Beirut: Mo'assesa-ye al-a'alami lel-Maṭbū'āt.
- Al-Soyūṭī, Jalāl-al-Dīn 'Abd-al-Raḥmān b. Abi Bakr (1990), *Ta'riḫ al-Kolafā'*, ed. Moḥammad Moḥyī-al-dīn 'Abd-al-Ḥamīd, al-Šarīf al-Razī, Qom: s.n.
- Al-Ṭabarsī, Fazl b. Ḥasan (n.d.), *Tāḫ al-mawālīd fi mawālīd al-a'emma wa*

- waḡfiyātehem*, mondaraj dar majmū'e-e nafisa ḥāwia le-rasā'el šarifa, ed. Sayyed Šahāb-al-Din al-Ḥosaynī al-Mar'aši, Qom: Maktaba Bašīratī.
- Balāḡori, Aḥmad b. Yaḥyā b. jāber (1977), *Ansāb al-ašrāf*, ed. al-Šeyḵ Moḥammad Bāqer al-Mahmudī, Vols. 3, Beirut: Dār al-Ta'ārof lel-Maṭbū'āt.
 - Berenjiyān, Jalāl (1983), *Ḥemāsa 'āsūrā be bayān ḥazrat maḥdī (A.S.)*, Tehran, Ṭūr.
 - Ḍahabī, Šams al-Din Moḥammad b. Aḥmad (1993), *ta'riḵ al-eslām wa waḡfiāt al-mašāhīr wa 'l-a'lām*, ed. 'Omar 'Abd-al-Salām Tadmori, Vol.5, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi.
 - Dīnavarī, Aḥmad b. Dāwūd (1960), *Aḵbār al-ṭewāl*, ed. 'Abd-al-Mon'em 'Āmer, Cairo: Dār Eḥyā' al-Kotob al-'Arabīya.
 - Ebn al-Jawzi, Seḡt (1998), *Tazkerat al-Kāšš*, Qom: Manšurāt al-Šarīf al-Razī.
 - Ebn Qotayba Dīnavarī, 'Abd-Allāh b. Moslem (n.d.), *al-Emāma wa 'l-sīāsa*, ed. Ṭāha Moḥammad al-Zīnī, vol. 2, Beirut: Dār Al- ma'refat le-ṭabā'a wa al-Našr.
 - Ebn al-Aṭīr, 'Ezz-al-Dīn 'Alī (1989), *Osd al-ḡāba fī ma'refat al-šaḥāba*, vol. 1, Beirut: Dār al-Fekr.
 - Ebn 'Asāker, Abū'l-Qāsem 'Alī b. Ḥasan (1995), *Ta'riḵ madinat Demašq*, ed. 'Alī Širi, vol.14, Beirut: Dār al-Fekr.
 - Ebn Aṭam, Abū Moḥammad Aḥmad (1986), *al-Fotuḥ*, vol. 3, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiya.
 - Ebn Ḥajar 'Asqalānī, Aḥmad b. 'Alī (n.d.)offset az čāp first,1910), *al-Ešāba fī tamiy al-šaḥāba*, vol. 1, Beirut: Dār Eḥyā al-Torāṭ al-'Arabī.
 - Ebn Kaṭīr, 'Eemād al-Dīn Esmā'il (1993), *al-Bedāya wa 'l-nehāya*, vol.8, Beirut: Dār Eḥyā al-Torāṭ al-'Arabī.
 - Ebn Nama, Najm al-Dīn Ja'far (1900), *Maṭīr al-Aḥzān*, n.p., s.n.
 - Ebn Šabbāḡ, 'Alī b. Moḥammad (n.d.), *al-Fuṣūl al-mohemma fī ma'refat al-aḥwāl al-a'emma*, Najaf: Maktaba Dār al-Kotob al-Tejārīe.
 - Ebn Sa'd, Abū 'Abd-Allāh Moḥammad (1990), *al-Ṭabaqāt al-Kobrā*, ed. Moḥammad 'Abd-al-Qāder 'Aṭā, vol. 5, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiya.
 - Ebn Šahrāšūb, Abū Ja'far Moḥammad b. 'Alī (n.d.), *Manāqeb āl Abī Ṭāleb*, ed. Sayyed Hāšem Rasūlī Maḥallātī, vol. 2-4, Qom: Entešārāt 'Allāma.

- Erbelī, 'Alī b. 'Īsā (n.d.), *Kašf al-ġomma fī ma'refat al-a'emma*, ed. Āqā Sayyed Ebrāhīm Miyānji, vol. 2, (N.P.): Našr Adab al-ḥawza.
- Ešfahāni, Abu'l-Faraj 'Alī b. al-Ḥosayn (n.d.), *Maqātel al-Ṭālebiyin*, ed. Sayyed Aḥmad Ṣaqr, Beirut: Dār Al- ma'refat.
- Gorūh Ḥadiṭ Pažūheškada Bāqer al-'Olūm (2007), *Maqatal Imam Ḥosayn (A.S.)*, tr. Javad Moḥadeṭī, Tehran: Šerkat-e čāp WA našr-e beyn al-melal.
- Ḥerz al-Dīn, 'Abd al-Razzāq b. Moḥammad Ḥosayn (2010), *Maqatal al-Ḥosayn men amāli al-ssydyn*, Qom: Dalīl-e Mā.
- Kḥārazmī, al-Mowaffaq b. Aḥmad (1948), *Maqatal al-Ḥosayn*, ed. Moḥammad Ṭāher al-Samāvi, vol.1-2, Najaf: Maṭba'a al-Zahrā'.
- Majlesī, Moḥammad Bāqer (1980), *Behār al-anwār*, vol. 44-45-46-101, Tehran: al-Maṭba'a al-Eslāmiya.
- Maqdesī, Moṭahhar b. Ṭāher (n.d.) offset az čāp paris 1899), *al-Bad' wa'l-ta'riḳ*, ed. and tr. Clément Huart, Vol.6, Beirut: Dar Sader.
- Mas'udi, Abu'l-Ḥasan 'Ali b. al-Ḥosayn (1989), *Moruj al-ḡahab wa ma'āden al-jawhar*, ed. As'ad Dāġer, Vol.3, Qom: Dār al-Hejra.
- Mas'udi, Abu'l-Ḥasan 'Ali b. al-Ḥosayn (1996), *Eṭbāt al-wašīya le-Emām 'Alī b. Abī Ṭāleb*, Qom: al- Ṣadr.
- Meskawayh Rāzī, Abu 'Alī (۱۹۸۷), *Tajāreb al-omam wa ta'āqeb al-hemam*, ed. Abu'l-Qāsem Imamī, Vol.2, Tehran: Dār Soruš le-ṭabā'a wa al-Našr.
- Mofīd, Moḥammad b. Moḥammad b. No'mān (n.d.), *Al-Eršād*, Qom: Maktaba Baširatī.
- Moḥammadī Rī Šahrī, Moḥammad (2015), *Dānešnāma-ye Emām Ḥosayn (A.S.) bar pāia Qorān, Ḥadiṭ wa Ta'riḳ*, vol.6-1, Qom: Dār al-Ḥadiṭ.
- Motahhari, Mortaza (1996), *Ḥemāsa Ḥosaynī*, Tehran: Ṣadrā.
- Nuri, Ḥosayn b. Moḥammad Taqī (n.d.), *Lo 'lo' wa marjān dar ādāb ahl menbar*, Tehran: 'Aābedī.
- Pīšvāyi, Maḥdi (2011), *Ta'riḳ qīām wa maqatal jāme' sayyed-al-šohadā (A.S.)*, vol.2, Qom: Mo'assesa-ye āmuzeši wa pažuheši-e Emām Kōmayni.
- Qomī, Šeyḳ 'Abbās (1987), *Montahi al-Amal*, vol.1, Qom: Entešārāt hejrat.
- Samāvi, Šeyḳ Moḥammad b. Ṭāher (1999), *Abšār al-'Eyn fī Anšār al-Ḥosayn*, ed.

Šeyk Moḥammad a'far al-Ṭabasī, (n.p.), Markaz-e al-Derāsāt al-Eslāmīya le-Ḥaras al-Ṭūra.

- Sayyed b. Ṭā'ūs (1986), *al-Lohūf 'alā qatlā al-ṭofūf*, Tehran: Entešārāt ahān.
- Ṭabari, Abu Ja'far Muḥammad b. Jarir (1971), *Ta'riḳ al-rosul wa'l-moluk*, ed. Moḥammad Abu'l-Faḏl Ebrāhīm, vol. 5, Cairo: Dār al-Ma'āref.
- Ṭabarsī, Amīn al-Eslām (1960), *E'lām al-warā be-a'lām al-hodā*, Tehran: al-Makteba al-'Elmiya al-Eslāmīya.
- Ya'qubi, Aḥmad b. Abi Ya'qub (n.d.), *Ta'rikò al-ya'qubi*, vol. 2, Beirut: Dar Sader.
- Yaqūt Ḥamawī, Šahāb-al-Din Abū 'Abd-Allāh (1995), *Mo'jam al-Boldān*, vol.2-4, Beirut: Dar Sader.

